

تحلیل آرای قضایی مرتبط با مجازات‌های جایگزین حبس (با تأکید بر مجازات خدمات عمومی رایگان)

ابوالقاسم خدادی* | استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران
حسین علی عطوف | دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
محمدمتین پارسا | دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

قانون‌گذار ایران با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پاره‌ای از مجازات‌های جامعه‌محور را وارد ادبیات قانونی کشور کرد که اثربخش بودن آن‌ها نیازمند فراهم آمدن بسترهای متنوع در سطوح مختلف تقنینی، قضایی و اجرایی است. مقاله‌ی حاضر تلاش کرده است با ملاک قرار دادن دادنامه‌های مجازات‌های جایگزین حبس (تأکید بر مجازات خدمات عمومی رایگان) به‌عنوان واحد تحلیل، ضمانت‌اجراهای نوین کیفری را در بستر آرای قضایی بررسی کند. در این زمینه از آرای صادره در سال‌های ۹۷-۱۳۹۶ در سراسر کشور، ۴۵۰ رأی مرتبط استخراج شده و از این بین، ۲۱۰ رأی به‌عنوان حجم نمونه به‌صورت تصادفی گزینش شد. سپس این آرا براساس شاخص‌های ماهوی و شکلی مورد تحلیل قرار گرفت. داده‌های این تحلیل حاکی از این بوده است که اغلب نمونه‌های مورد بررسی دست‌کم در یکی از شاخص‌های تعیین‌شده دچار نقصان بوده‌اند. به‌عنوان برآیند تحلیل صورت گرفته می‌توان مدعی شد که این مشکلات تابعی از فراهم نبودن بسترهای موردنیاز از جمله نبود آشنایی کافی و فرهنگ‌سازی متناسب، تورم پرونده‌ها و نداشتن فرصت کافی به‌منظور رسیدگی است. در نتیجه بدون فراهم شدن بسترهای لازم، وجود نقصان در شاخص‌های مورد بررسی دور از انتظار نخواهد بود.

واژگان کلیدی: مجازات جامعه‌محور، جایگزین حبس، خدمات عمومی رایگان، سیاست جنایی قضایی، آرای قضایی.

مقدمه

مجازات زندان به دلیل حتمیت و قطعیت بیشتر نسبت به سایر مجازات‌ها و محدود کردن مجرم، همواره مورد توجه حکومت‌ها و جامعه بوده و به‌عنوان ابزاری برای افزایش اعتماد آن‌ها به نظام قضایی شناخته می‌شود؛ چراکه می‌تواند با دور نگه‌داشتن مجرم خطرناک، حرفه‌ای و به‌عادت، از جامعه به‌خوبی دفاع کرده و سبب ایجاد امنیت شود. با این وجود، کارشناسان با توجه به اینکه حبس در طول زمان ممکن است منجر به تکرار جرم و یا سایر آسیب‌ها به زندانی و یا خانواده وی و جامعه شود، به پیامدهای منفی زندان بیش از نتایج مثبت آن اشاره کرده‌اند (Liebling & Maruna, 2011: 13). از نظر کارشناسان، مجازات زندان با وجود کثرت کاربرد، نقش تخریبی بر وضعیت محکومان و زندگی آتی آنان در جامعه دارد و رشته‌های حیاتی محکومان از جمله روابط شغلی، پیوندهای عاطفی و خانوادگی آنان را به‌طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد (Haney, 2002: 1). از سوی دیگر خانواده زندانیان نیز به تبع عدم حضور مجرم در خانواده، به‌خصوص زمانی که مجرم سرپرستی خانواده را به‌عهده دارد، چه‌بسا بیشتر از او دچار آسیب شوند (Farrington & Murray, 2008: 134). همچنین زندان به‌لحاظ قیود و محدودیت‌هایی که به اقتضای ماهیتش برای محکوم‌علیه ایجاد می‌کند، اقدامات اصلاحی را نیز تحت الشعاع قرار داده و با توجه به معایبی که دارد، نقش بازدارندگی و اصلاح را می‌کاهد (آفنداک، حسن‌دوست، ۱۳۹۲: ۸۵؛ اسدی، ۱۳۹۶: ۱۱). به‌همین دلیل بیشتر متخصصان بر این باورند که مجازات زندان باید به‌عنوان آخرین راه برای محدودسازی مجرم مورد استفاده قرار گیرد (پرچمی و درخشان، ۱۳۹۷: ۴۹). معایب گفته‌شده در کنار هزینه‌های هنگفتی که زندان و نگهداری زندانیان برای حکومت‌ها دارد، موجب شده است که نظام‌های کیفری مختلف، روش‌های متنوعی را برای رفع این مشکل‌ها پیش‌بینی کرده و جایگزین‌هایی را برای مجازات زندان و اصلاح مجرم در نظر بگیرند تا ضمن رفع آسیب‌های زندان و کاهش هزینه‌های آن، بتوانند اصلاح و بازپروری مجرم و امکان بازگرداندن آن‌ها به جامعه را نیز فراهم کنند (رضایی مقدم و سلطانی، ۱۳۹۸: ۵۵؛ محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶: ۴۴).

قانون‌گذار کشور ایران به پیروی از سایر کشورها از همان دوره‌های آغازین قانون‌گذاری یعنی از سال ۱۳۰۴، مجازات‌های جایگزین حبس را مدنظر قرار داده است^۱ و به تدریج مفاهیمی چون تعلیق، آزادی مشروط و جزای نقدی را به‌عنوان جایگزین‌های سنتی وارد قانون کرده و حبس‌های کوتاه‌مدت را قابل تعلیق یا تبدیل کرده است (اردبیلی، ۱۳۷۲: ۲۸۱). همین رویکرد به‌همراه تأثیر از تحولات آموزه‌های کیفر نوین و مطرح شدن سیاست‌های مبتنی بر کیفرزدایی در کنار راهبردهای زندان‌زدایی سبب شد تا قانون‌گذار در نهایت طیف وسیعی از نهادهای ارفاقی - تخفیفی را در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وارد کند. بدین ترتیب بنابر ظرفیت‌های موجود نظام حقوقی ایران، می‌توان نهادهای ارفاقی - تخفیفی (جرم‌شناختی) را به دو دسته اصلی تقسیم کرد. گروهی از این نهادها در راستای سیاست کیفرزدایی شکل گرفته و «جایگزین‌های کیفر»؛ مانند تعویق صدور حکم (ماده ۴۵-۴۰ قانون مجازات اسلامی) و تعلیق مجازات (ماده ۵۵-۴۶ قانون مجازات اسلامی) را شامل می‌شوند و گروهی دیگر نهادهایی زندان‌زدا بوده و ذیل «جایگزین‌های زندان» - جایگزین‌های عام زندان نظیر آزادی مشروط (مواد ۶۲-۵۸ قانون مجازات اسلامی) و نظام نیمه‌آزادی (ماده ۶۳ قانون مجازات اسلامی) و جایگزین‌های خاص زندان همان موارد مذکور در فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ (مواد ۸۷-۶۴) - جای خواهند گرفت.

با این حال قانون‌گذاری و سیاست جنایی تقنینی نخستین گام از گام‌های متعدد هرگونه سیاست جنایی سخت‌گیرانه به‌منظور مقابله با جرایم یا راهبردهای جرم‌زدا و کیفرزدا خواهد بود و در عمل آنچه اهمیت افزون‌تری پیدا می‌کند، چگونگی اعمال این قوانین و مقررات در تصمیمات و آرای مراجع قضایی است؛ زیرا این قضات هستند که حقوق نوشته را به‌میان مردم برده و آن را عینی و ملموس می‌سازند (حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۸: ۳). نقش قضات و سیاست‌های اتخاذی از ناحیه اجزای دستگاه قضایی در اجرای قوانین به حدی است که می‌توانند شدیدترین قوانین کیفری را تعدیل و ضعیف‌ترین قوانین را تشدید کنند (انصاری، ۱۳۹۳: ۴۶) بنابراین قضات و تصمیم‌های اتخاذشده از سوی آنان را باید از مهم‌ترین اجزای راهبردهای در نظر گرفته‌شده سیاست کیفری به‌حساب آورد، به‌نحوی که با استفاده صحیح از ابزارهای موجود، می‌توانند در جهت تکمیل سیاست جنایی و گذار

۱. از جمله ماده واحده «قانون امکان تبدیل حبس در امور خلافی و حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد به جزای نقدی» مصوب ۲۶ اردیبهشت سال ۱۳۰۷ کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی که مقرر می‌داشت: «حبس در امور خلافی مطلقاً و همچنین حبسی که مدت آن دو ماه یا کمتر باشد، قابل تبدیل به جزای نقدی است...». همچنین ماده ۱۱ قانون مجازات عمومی اصلاحی خرداد ۱۳۵۲ که به‌موجب آن: «در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد، از این پس به‌جای حبس، حکم به جزای نقدی از ۵۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ ریال داده خواهد شد...».

از نقاط مبهم و تاریک نقش مؤثری داشته و یا در مقابل سبب فاصله‌گیری دستگاه قضا از اهداف مدنظر قانون‌گذار و حاصل نشدن نتایج پیش‌بینی شده شوند.

از همین رو پژوهش حاضر با تمرکز بر یکی از عینی‌ترین نمودهای سیاست‌های جنایی قضایی - دادنامه‌های صادرشده قضات - تلاش می‌کند به تحلیل یکی از راهبردهای نوین حاکم بر دستگاه قضا؛ یعنی جایگزین‌های حبس در معنای خاص آن بپردازد.

با توجه به سابقه تقریباً طولانی موضوع مورد بحث (جایگزین‌های حبس) در ادبیات حقوقی ایران، پژوهش‌های متعددی پیرامون آن شکل گرفته است که عمدتاً دارای ماهیتی نظری و پیرامون سابقه، مبنا، اهداف، چالش‌ها (در تمام ابعاد تقنینی، قضایی، اجرایی) و شرایط فنی (تکنیکال) بوده‌اند. با این حال آثار دارای رویکرد تجربی و اصطلاحاً از جنس پژوهش میدانی نیز قابل توجه هستند. از جمله آثاری که بیشترین همانندی با نوشته حاضر را دارند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: خسروی، محمدرضا (۱۳۹۴)، نقد نگارش آرای قضایی، تهران، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه. در این اثر نگارنده طی بیست‌ویک فصل متن آرای از استان‌های مختلف، صادره از دادگاه‌هایی با درجات متفاوت و عمدتاً در زمینه امور مدنی را قید کرده و پس از اتمام متن دادنامه، به درج شمارگان به ترتیب نقدهایی را به رأی مذکور وارد می‌کند. بدین ترتیب اثر مذکور از لحاظ واحد تحلیل (متن دادنامه) با نوشته حاضر مشابهت دارد؛ با این حال اقدام به دسته‌بندی چالش‌های آرا یا ارائه تحلیل از چرایی ایجاد چنین مشکلاتی نکرده است.

- خاکسار، داوود؛ غلامی، حسین (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۱. نگارندگان در این مقاله با نگاهی کمی ابتدا به نرخ بسیار پائین اعمال مجازات‌های جایگزین پرداخته و سپس از نادیده گرفتن برخی متغیرهای مهم از سوی قضات صحبت کرده‌اند. در پایان نیز عواملی مانند عدم درک درست قضات نسبت به اهمیت، ضرورت و اهداف جایگزین‌های حبس، همچنین مشکلات اجرایی و کمبودهای سخت‌افزاری را از دلایل چنین مشکلاتی معرفی نموده‌اند.

در نوشته‌ای دیگر از نویسندگان مذکور با عنوان «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶: صفحات ۴۰-۹، از طریق تجزیه و تحلیل کمی آرا حاکی از آن است که بعضی از انواع مجازات‌های جایگزین حبس از جمله جزای نقدی روزانه و خدمات عام‌المنفعه فاقد کارایی عملی هستند (در عمل بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرند) و برخی متغیرها نظیر نوع جرم، نوع مجازات، پیشینه کیفری و شغل متهم بر نوع و میزان اعمال مجازات‌های جایگزین حبس از سوی قضات تأثیرگذار است.

آنچه چنین پژوهش‌هایی را از نوشته حاضر متمایز می‌کند، ابتدا تسلط رویکرد کمی بر آنان است؛ زیرا این آثار چه از طریق تحلیل آرا و چه از طریق مصاحبه، یافته‌های خود را در قالب اعداد ارائه داده‌اند. به‌علاوه عمده توجه این پژوهش‌ها پیرامون نرخ استفاده از این ضمانت‌های اجرا و عوامل اثرگذار بر این نرخ متمرکز بوده است. در مقابل پژوهش حاضر متن آرای صادر شده را مدنظر قرار داده است و به تحلیل کیفیت این اسناد خواهد پرداخت و نیز تمرکز این نوشتار بر روی خدمات عام‌المنفعه به‌عنوان بارزترین شکل از مجازات‌های جامعه‌محور است.

در این زمینه نگارندگان با گزینش چارچوبی کیفی، روش تحقیق پژوهش حاضر را براساس تحلیل محتوای دادنامه‌های صادرشده در حوزه موضوع موردنظر، قرار داده است. در راستای تحلیل محتوای کیفی که به‌عنوان روش پژوهشی برای تفسیر ذهنی - محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته‌شده دانست (ازکیا و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۰)، متن دادنامه (به‌طورکلی) به‌عنوان واحد تحلیل مدنظر قرار گرفته است. نظام مقوله‌بندی نیز مبتنی بر شاخص‌هایی بوده است که با مطالعه آرا، به‌دست آمد. با این توضیح که ابتدا با ملاک قرار دادن آرای صادر شده در سال‌های ۹۷-۱۳۹۶ درخصوص آرای جایگزین حبس (محوریت خدمات عمومی رایگان)، حدود ۴۵۰ رأی (اعم از بدوی و تجدیدنظر) با همکاری معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه از سامانه سیستم مدیریت پرونده قوه قضائیه (CMS) استخراج و براساس جدول مورگان ۲۱۰ رأی به‌عنوان حجم نمونه تعیین شد.^۱

سپس به‌منظور دستیابی به شاخص‌هایی جامع جهت تحلیل آرا، روش گروه‌های کانونی مدنظر قرار گرفت. روش گروه کانونی در این پژوهش به‌منظور استخراج شاخص‌ها از طریق تشکیل سه جلسه با ۲۰ تن از قضات با تجربه دادگاه‌های بدوی و تجدیدنظر تهران و فعال در حوزه جایگزین‌های حبس و اساتید حقوق کیفری عضو هیأت علمی و یا دارای مدرک دکتری صورت گرفته است. بدین ترتیب که ابتدا با مطالعه اسناد مکتوب مرتبط با نقد آرا^۲، دو محور کلی برای بیان دیدگاه

۱. آرای بررسی‌شده در حوزه قضایی استان‌های مختلف بوده است: از استان‌های قزوین، چهارمحال و بختیاری، گیلان، یزد، هرمزگان، گلستان، آذربایجان غربی، آذربایجان شرقی، کرمان، ایلام، تهران و فارس.
 ۲. از جمله اسناد مکتوب که حاوی نقد و بررسی جنبه‌های مختلف آرا بوده‌اند می‌توان به مجموعه‌های منتشرشده از سوی پژوهشکده استخراج و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قضایی اشاره کرد. از جمله «قتل به اعتقاد مهدورالدم بودن مقتول» و «بررسی حادثه میدان کاج» در سال ۱۳۹۲، «اسیدپاشی (موضوع پرونده الف. ب)» و «نقد رأی حقوقی هموفیلی‌ها (مسئولیت مدنی، اثبات رابطه سببیت، نقش دادرسی در ساخت قاعده حقوقی)» در سال ۱۳۹۳.

شرکت‌کنندگان تعیین شد و از این افراد درخواست شد که شاخص‌های ارزیابی آرا را ذیل هریک از این محورها بیان کنند:

- شاخص‌های ماهوی تحلیل و ارزیابی آرای جایگزین
- شاخص‌های شکلی تحلیل و ارزیابی آرای جایگزین

در نهایت داده‌های جلسات برگزارشده ذیل دو گروه شاخص‌های ماهوی و شاخص‌های شکلی، به‌عنوان مقوله‌های اصلی تحلیل ارائه موردنظر قرار گرفت.

شاخص‌های ماهوی دادنامه	شاخص‌های شکلی دادنامه
۱- مستند، مستدل و موجه بودن رأی	۱- ابتکاری و بدیع بودن رأی در چهارچوب قانون و وجاهت و مقبولیت آن در جامعه
۲- تناسب رأی با نوع جرم و کیفیت ارتکاب	۲- قابلیت اجرای رأی و امکان نظارت بر آن
۳- تناسب رأی با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی مجرم و احتمال اصلاح وی	۳- رعایت آئین نگارش در انشای رأی

در نهایت در هنگام نگارش متن با توجه به چندوجهی بودن مجازات خدمات عمومی رایگان که به تعامل کنشگران گوناگون از جمله دستگاه قضا، دستگاه اجرایی، بزه‌کار و حتی جامعه‌ی محلی نیازمند است و به‌همین دلیل آرای مرتبط با این کیفر به شکلی پُررنگ‌تر شاخص‌های معرفی‌شده را بازتاب می‌دهند، تصمیم بر آن شد که نمونه‌های مورد استناد بر این ضمانت‌اجرای نوین کیفری متمرکز شود. بر همین مبنا ساختار نگاشته‌ی پیش‌رو نیز منطبق بر شاخص‌های مذکور تنظیم شده و در دو گفتار ارائه خواهد شد.

۱- شاخص‌های ماهوی

منظور از شاخص‌های ماهوی عبارت‌اند از شاخص‌هایی که به‌طور اساسی بر کیفیت صدور رأی از حیث انطباق با موازین قانونی، شرایط جرم و مجرم، تناسب جرم و مجازات و امکان اصلاح مرتکب استوار شده‌اند. به‌عبارتی این امور، شاکله اصلی یک دادنامه را بنا خواهند کرد و جمیع آن‌ها را می‌توان در اصل ۱۶۶ قانون اساسی مشاهده کرد. به‌موجب این اصل «احکام دادگاه‌ها باید مستدل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است». در تأکیدی دوباره بر

این موضوع، ماده ۳۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) مقرر داشته است که «رای دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است». چنانکه ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰، در بند ۱ خود «صدور رأی غیر مستند یا غیر مستدل» را موجب مجازات انتظامی درجه ۴ تا ۷ دانسته است. به عبارتی می‌توان مدعی شد که ماهیت یک دادنامه متشکل از اوصاف «مستند بودن»، «مستدل بودن» و «موجه بودن» است؛ بنابراین مطالب پیش‌رو نیز ذیل دو عنوان مطرح خواهند شد: «مستند بودن و رعایت الزامات قانونی» و «مستدل و موجه بودن رأی».

۱-۱- مستند بودن و رعایت الزامات قانونی

از نخستین ملاک‌هایی که می‌توان کیفیت و اعتبار یک رأی را مورد بررسی و قضاوت قرارداد، چگونگی کاربرد مقام صادرکننده از مستندات قانونی خواهد بود. به‌علاوه رعایت کردن الزامات قانونی مختص به یک مجازات مشخص نیز از مهم‌ترین شاخص‌های ارزیابی یک رأی محسوب می‌شود. این دو شاخص ذیل دو عنوان بیان خواهند شد.

۱-۱-۱- مستند بود رأی

علاوه بر موارد مذکور، اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده ۲ قانون آئین دادرسی کیفری^۱ نیز به بیانی دیگر لزوم مستند بودن آرا را مورد اشاره قرار داده‌اند. درباره دلایل الزام قاضی به مستند کردن رأی، می‌توان به مواردی همچون ضرورت نظارت اصحاب دعوی بر صحت رأی، آگاهی محکوم‌علیه از علت محکومیت خود، توجه دادرس به ارزش رأی صادره، اعطای ارزش علمی به رویه‌ی قضایی و تأمین هر چه بهتر و مطلوب‌تر عدالت و حقیقت اشاره کرد (امینی و منصور، ۱۳۹۷: ۱۱).

در این مورد استناد علاوه بر اشاره به مواد خاص مجازات جرم ارتكابی، اشاره به مواد قانون مجازات اسلامی و آئین دادرسی کیفری درخصوص مجازات‌های جایگزین حبس (به‌خصوص مواد ۶۴ تا ۸۷ قانون مجازات اسلامی) و آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی (مصوبه شماره ۶۶۸۶۲/ت/۵۰۱۳۹ هـ مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۲ هیئت وزیران) و همچنین رأی ۷۴۶ مورخ ۹۴/۱۰/۲۹ وحدت رویه دیوان عالی کشور از جمله مستندات در این حوزه خواهند بود که باید از سوی مقام رسیدگی‌کننده به صورت دقیق ذکر شوند و نبود یا عدم گزینش صحیح آن‌ها، موجب خدشه وارد شدن به متن دادنامه خواهد بود. البته همان‌گونه

۱. «دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد ...»

که عدم استناد دقیق به مواد قانونی قابل ایراد است، استنادات بلاوجه و بدون ارتباط با جرم ارتكابی و مجازات نیز می‌تواند رأی را از وجاهت قانونی دور کند.

در بین دادنامه‌های بررسی شده، مواردی مشاهده شد که استنادات قانونی در حداقل خود قرار داشت، به نحوی که به وجه مستند بودن رأی آسیب وارد می‌کرد. برای نمونه در یک پرونده متهم با عنوان مجرمانه ایجاد مزاحمت تلفنی از طریق ارسال پیامک به پرداخت ۱۵ میلیون ریال جزای نقدی به خزانه دولت محکوم شده بود که قاضی اجرای احکام خواستار تعیین مجازات جایگزین حبس موضوع بند الف ماده ۵۲۹ آئین دادرسی کیفری از دادگاه شده بود و دادگاه تنها با استناد به ماده مذکور و ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی به انجام خدمات عمومی رایگان رأی داده بود.^۱ یا در پرونده دیگر دادگاه متهم را با عنوان مجرمانه تهدید علیه بهداشت عمومی از طریق دفع غیربهداشتی فاضلاب، تنها با استناد به ماده ۵۲۹ آئین دادرسی کیفری و ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی به مجازات جایگزین حبس محکوم کرده است.^۲

همچنین، دادنامه‌هایی مشاهده شد که صدور رأی خدمات عمومی رایگان به عنوان جایگزین حبس تنها با استناد به تخفیف حاصل از ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی انجام گرفته است^۳ که چنین امری خلاف قانون بوده و قاعدتاً باید به مواد ۶۴ به بعد قانون مجازات اسلامی استناد می‌شد.

در تعدادی از آرا نیز ماده مورد استناد قاضی در تعیین موضوع و حکم پرونده صحیح نبوده است. برای مثال در یکی از دادنامه‌های بررسی شده، دادگاه اتهام حمل مشروبات الکلی را به استناد مواد ۶۴، ۶۸، ۷۹ و بند (پ) ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی به انجام خدمات جنگل‌داری رایگان محکوم کرده است.^۴ در حالی که با توجه به عمدی بودن جرم مورد اتهام، استناد به ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی نادرست بوده و این اتهام مشمول ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی است.

در دادنامه‌ای دیگر نیز، مرتکب با اتهام نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره و نگهداری مشروبات الکلی با اجازه حاصل از ماده ۶۹ قانون مجازات اسلامی^۵ به مجازات خدمات عمومی

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۳۸۱۱۱۰۰۶۷۴ مورخ ۱۳۹۶/۵/۸ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان شهرکرد
۲. دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۲۸۱۱۲۰۱۲۸۷ مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۵ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان شهرکرد
۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۱۴۲۱۳۰۱۲۴۹ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۷ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان لنگرود
۴. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۴۰۱۱۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۱ - شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان بندرعباس
۵. «مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آن‌ها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌شوند.»

رایگان محکوم شده است.^۱ در حالی که هیچ‌کدام از این جرایم، مشمول ماده ۶۹ نبوده و در نتیجه استناد به این ماده معتبر نخواهد بود.

همچنین در بین موارد بررسی شده دادنامه‌هایی مشاهده شد که قاضی براساس ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی و سایر مستندات قانونی حکم به مجازات خدمات عمومی رایگان داده است، اما نکته حائز اهمیت در ارتباط با این دادنامه‌ها از آن روی است که در خدمت تعیین شده جنبه مالی غلبه داشته و تا حدی به جزای نقدی نزدیک شده‌اند، در صورتی که فلسفه خدمات عمومی رایگان، انجام کار در بستر اجتماع، تدریجی بودن (آنی انجام نشدن) و عدم صرف مستقیم هزینه‌های مادی از سوی مرتکب است (Kalsomines, 2014: 478). برای نمونه در یک مورد در قالب جرایم نگهداری مشروبات الکلی، مصرف مسکر و حمل مشروبات الکلی ۶ ماه حبس تعیین و سپس هریک از متهمان به انجام خدمات جنگل‌داری رایگان، شامل تهیه و اهدای تجهیزات و لوازم مورد نیاز به منظور کاشت درخت و آبیاری قطره‌ای ارزش مجموع ۱۰ میلیون ریال به شهرداری محکوم شده‌اند.^۲ در حالی که چنین دستوراتی علاوه بر هم‌خوان نبودن با ماهیت و فلسفه خدمات عمومی رایگان، با مفاد قانون مجازات اسلامی نیز سازگاری نداشته و نمی‌توان آن‌ها را مستند به قانون دانست.

بدین ترتیب می‌توان مدعی شد که اگرچه در غالب آرای مورد بررسی، قضات با دقت نظر در انتخاب مستندات قانونی اقدام کرده و از این حیث عملکرد قابل قبولی داشته‌اند، با این حال در مواردی دادنامه‌های صادر شده در این خصوص، دچار لغزش شده‌اند.

۱-۲- رعایت الزامات قانونی خاص مجازات‌های جایگزین

می‌توان مدعی شد که قانون‌گذار در تمام نهادهای تخفیفی - ارفاقی شرایط و الزامات خاصی را برای قاضی به منظور صدور حکم و انشای رأی تعیین کرده است؛ این الزامات مواردی مانند نوع جرم، درجه مجازات (جرم)، شرایط ارتکاب، شرایط مرتکب، مواردی که قاضی امکان استفاده از آن ابزار کیفری خاص را ندارد، شرایطی که محکوم موظف به رعایت آن‌ها بوده و نیز نکاتی که قاضی باید در متن دادنامه قید نماید، می‌شود.

لزوم وضع و رعایت چنین قواعدی ناشی از ماهیت و فلسفه ضمانت‌اجرای مورد نظر، چارچوب‌های کلی سیاست جنایی و کیفری، اهدافی که سیاست‌گذار کیفری در پی تحقق آن است و در نهایت اثربخشی رأی صادره خواهد بود. در ارتباط با مجازات‌های جایگزین نیز قانون‌گذار چنین

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۱۸۵۲۳۰۰۰۹۷ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ - شعبه ۲ دادگاه عمومی بخش کیش شهر

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۵۰۰۱۶۶ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۸ - شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس

الزامات خاصی را در فصل نهم از کتاب کلیات قید کرده است. برای مثال، ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد که «تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است». در خصوص مبنای این قاعده می‌توان چنین متصور بود که قانون‌گذار، قصد داشته است که تنها مرتکبان جرایم خفیف از امتیاز مجازات‌های جایگزین بهره‌مند شوند و در شرایطی که یک جرم با مجازات بیش از شش ماه حبس و قواعد تعدد هم‌زمان شوند، دیگر حتی اختیار ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی^۱ را نیز از قاضی سلب می‌کند. با این وجود در بین دادنامه‌های مورد بررسی، مواردی مشاهده شد که الزاماتی از این دست نادیده گرفته شده‌اند. برای مثال در یکی از آراء، مرتکب با وجود محکوم شدن به جرم نگهداری تجهیزات دریافت از ماهواره^۲ و نگهداری مشروبات الکلی^۳، به مجازات جایگزین حبس محکوم شده^۴ درحالی‌که اعمال مجازات جایگزین حبس با توجه به تعدد جرایم ارتكابی و میزان مجازات نگهداری مشروبات الکلی (شش ماه تا یک سال حبس)، طبق ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی ممنوع بود. هرچند بعداً با اصلاح ماده ۷۲ قانون مذکور به موجب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ۱۳۹۹، تعدد جرایم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از یک سال باشد، از موانع صدور حکم به جایگزین حبس محسوب شد.

همچنین با توجه به مفاد ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی و آئین‌نامه اجرایی همین قانون، تعیین دقیق خدمت مورد حکم، نهاد پذیرنده، نهاد ناظر و نیز تعیین بازه زمانی براساس ساعت، از دیگر موارد لازم‌الرعايه از سوی قاضی خواهد بود. حال می‌توان به آرایبی اشاره کرد که چنین نکاتی را در متن دادنامه تصریح نکرده‌اند. از جمله در یک مورد دادگاه متهم را به اتهام صید غیر مجاز به تحمل پنج ماه حبس (درجه هفت) محکوم کرده و سپس این مجازات را به انجام ۴۰۰ ساعت خدمات

۱. دادگاه می‌تواند مرتکبان جرایم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات‌های جایگزین حبس ممنوع است.

۲. قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره، ماده ۹، بند الف: «حمل، نگهداری، نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم می‌شوند».

۳. قانون مجازات اسلامی، ماده ۷۰۲ (کتاب تعزیرات): هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود.

۴. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۱۸۵۲۳۰۰۰۹۷ مورخ ۱۳۹۶/۱/۲۶ - شعبه ۲ دادگاه عمومی بخش کیشهر

عمومی رایگان در منطقه حفاظت شده تبدیل کرده است، لکن نوع خدمتی که محکوم باید انجام دهد در متن رأی منعکس نشده است.^۱ در دادنامه‌ای دیگر، تنها به تعیین ۱۰ ساعت خدمت عمومی جایگزین حبس در دبیرستان محل تحصیل، بدون تعیین نوع و نحوه خدمت اشاره شده بود.^۲ در دادنامه‌ای دیگر نیز قاضی متهم را به اتهام تهیه زغال با قطع و از بین بردن نهال جنگلی مستند به ماده ۴۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به «دو مرحله آبیاری نهال در مساحت یک هکتار از اراضی ملی و جنگلی در بهار و تابستان» محکوم کرده است؛ لکن بازه زمانی دقیق این خدمت مغفول مانده است.^۳ برخی دیگر از دادنامه‌ها مانند درخت‌کاری به میزان ۱۰۰۰ متر مربع برای جرم تصرف عدوانی اراضی ملی یا انجام خدمات عمومی رایگان به مدت ۳۰۰ ساعت در اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان و کاشت ۳۰۰ اصله درخت جنگلی از گونه‌های بومی منطقه حفاظت‌شده و نگهداری از آن‌ها تا زمانی که امکان رشد درختان بدون دخالت انسان فراهم شود، به جرم قطع درختان یا فراهم کردن موجبات از بین رفتن آن‌ها، دارای همین ایراد قانونی است.^۴ از دیگر نکاتی که قضات هنگام صدور حکم به مجازات خدمات عمومی رایگان ملزم به رعایت آن هستند، مفاد تبصره ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی^۵ مبنی بر «تصریح آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم و تفهیم آن به محکوم» است. عمده آرای مورد مطالعه این الزام قانونی را به درستی رعایت کرده بودند؛ لیکن در برخی آرا به این تکلیف مهم هیچ اشاره‌ای نشده بود. این درحالی است که تصریح به چنین امری از لحاظ جنبه بازدارندگی و کمک به اصلاح مرتکب حائز اهمیت خواهد بود. در نهایت با توجه به اینکه خدمات عمومی رایگان تنها ضمانت اجرای جایگزین حبس است که صرفاً با رضایت خود مرتکب مورد حکم قرار گرفته و بدون چنین پیش‌شرطی امکان‌پذیر نیست، می‌توان مدعی شد که رضایت متهم نیز از جمله مواردی است که باید الزاماً در متن دادنامه مورد اشاره قرار گیرد. آنچه در این ارتباط در آرای بررسی شده حائز اهمیت است، آن است که آرای متعددی حاوی چنین امری نبوده‌اند.

۱. (شماره دادنامه ناخوانا) مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان میبد

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۲۹۰۸۰۲۰۲۶ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۹ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان رباط کریم

۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۲۷۶۴۸۰۱۹۲۱ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۱ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان گالیکش

۴. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۳۶۲۳۰۱۳۴۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۴ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان خدآفرین

۵. تبصره - دادگاه در متن حکم آثار تبعیت و تخلف از مفاد حکم را به طور صریح قید و به محکوم تفهیم می‌کند. قضایی اجرای احکام نیز در ضمن اجراء با رعایت مفاد حکم دادگاه و مقررات مربوط، نحوه نظارت و مراقبت بر محکوم را مشخص می‌کند.

۱-۲- مستدل و موجه بودن رأی

مستدل و موجه بودن آرا نیز همچون مستند بودن از الزاماتی است که ریشه در اصول قانون اساسی و قوانین عادی دارد. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، اصل ۱۶۶ قانون اساسی در کنار «مستند بودن» از لزوم «مستدل بودن» سخن گفته است و ماده ۳۷۴ قانون آئین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌کند «... رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است.» همچنین بند ۱ از ماده ۱۵ قانون نظارت بر رفتار قضات (۱۳۹۰) ضمانت اجرای تخلف از صدور رأی مستدل را مجازات انتظامی درجه چهار تا هفت در نظر گرفته است.

با این وجود هیچ‌گونه تعریف رسمی و مورد توافقی به‌خصوص در مورد مفهوم «مستدل بودن» و «موجه بودن» وجود نداشته و در نتیجه تعاریف و برداشت‌های گوناگونی از این دو واژه وجود دارد. طبق یک تعریف مقصود از مستدل بودن حکم، مدلل کردن حکم به علت و چرایی و به عبارتی دلایل محکومیت متهم و ناظر بر اصل محکومیت وی است، اما توجیه حکم یک گام جلوتر و ناظر بر نوع محکومیت و میزان مجازات و علت‌گزینش آن از میان سایر واکنش‌های کیفری است (ابراهیمی و رحیمیان، ۱۳۹۷: ۱۲۶). به‌طور مختصر باید بیان کرد که در نوشته حاضر منظور از «مستدل بودن دادنامه» آن بخش از دادنامه است که به موجب آن، قاضی از مقدمه رأی (شامل مشخصات اصحاب دعوا، خواسته/ شکایت خلاصه‌ای از ادعای مطرح‌شده، دفاعیات، استدلال‌ات طرفین) استفاده کرده، اسباب موجهه موضوعی و حکمی رأی را بیان کرده و در نهایت اقدام به انشای رأی می‌کند (امینی و منصوری، ۱۳۹۷: ۱۶). مراد از موجه بودن نیز عبارت است اینکه حکم مقبولیت عقلایی داشته و استدلال دادگاه که رأی بر آن متکی بوده و به مواد قانونی یا قواعد حقوقی مستند است، از نظر عقلی و منطقی قابلیت پذیرش داشته باشد.^۱ با این توضیح، به دلیل رابطه تنگاتنگ این دو اصطلاح، بدون جداسازی آن‌ها از هم، به بیان شاخص‌هایی که در صدور حکم به مجازات جایگزین حبس (خدمات عمومی رایگان)، عاملی بر مستدل و موجه بودن رأی خواهد بود، خواهیم پرداخت.

۱. طبق یک نظر عقلایی بودن حکم صادره از جهات موجه بودن حکم است و موجه بودن، نتیجه مستند و مستدل بود است (رحمدل، ۱۳۸۹: ۱۰). در مقابل به عقیده برخی با توجه به اینکه هریک از مفاهیم حقوقی مستدل، مستند و موجه بودن بار معنای متفاوت و مستقلی دارند، نظر مذکور قابل پذیرش نخواهد بود (ابراهیمی و رحیمیان، ۱۳۹۷: ۱۲۷).

۱-۲-۱- تناسب رأی با جرم و کیفیت ارتکاب آن

به‌طورکلی جرم ارتكابی یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر گزینش یکی از مصادیق مجازات جایگزین حبس به‌ویژه انتخاب نوع خدمت عمومی رایگان است. در این ارتباط مواد ۲ و ۴ آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی با معرفی نهادهای پذیرنده متعدد و حوزه‌های خدماتی گسترده، اختیارات قانونی وسیعی به قاضی داده تا از این رهگذر با احاطه‌ای که بر پرونده، متهم، شاکی و شرایط و اوضاع و احوال آن دارد مناسب‌ترین مجازات جایگزین را برای جرم با رویکرد اصلاح و تربیت در نظر گیرد؛ زیرا با گزینش مجازات مناسب می‌توان بیشترین اثربخشی را از اجرای خدمات عمومی رایگان انتظار داشت.

از این نظر عمده دادنامه‌های صادرشده دارای انتخابی مناسب بوده و تناسب جرم و خدمت در نظر گرفته شده در آن‌ها قابل مشاهده بود. برای نمونه در پرونده‌ای، قاضی با احراز جرم تخریب اراضی ملی به‌وسیله لودر، حکم به انجام خدمات عمومی رایگان از طریق انتقال آب از رودخانه فصلی به تالاب محلی به‌میزان ۵۰ تانکر متوسط و همچنین کاشت پنجاه اصله نهال درخت در محدوده این تالاب به مدت ۵۴۰ ساعت داده است.^۱ همچنین در دادنامه‌ای دیگر برای جرم شکار و صید بدون مجوز حیوانات و جانوران وحشی حفاظت‌شده، انجام خدمات عمومی رایگان به‌میزان ۳۰۰ ساعت در اداره شاکی به‌منظور احداث پنج فقره آبشخور در منطقه حفاظت‌شده برای استفاده حیوانات جنگلی، جایگزین ۶ ماه حبس تعزیری شده است.^{۲ و ۳}

در مقابل برخی آرای صادرشده به تناسب جرم ارتكابی و ضمانت اجرای در نظر گرفته‌شده توجه چندانی نداشته‌اند. هرچند به نظر مصلحت‌های مختلفی از منظر قاضی و شرایط حاکم بر محل وقوع جرم و مجرم قابل حدس است، ولی ارزیابی صحت این مصالح توسط مخاطب امکان‌پذیر نخواهد بود. برای نمونه می‌توان به «الزام به تمهیدات آزادی دو نفر از زندانیان مالی، به جرم ساخت‌وساز غیرمجاز در حریم آثار فرهنگی و تاریخی»^۴، «انجام خدمات عمومی رایگان به‌میزان ۵۴۰ ساعت کار و کمک به مریضان بستری‌شده در بخش قلب و نگهداری از آنان در بیمارستان در

۱. دادنامه بدون شماره و تاریخ (سال ۱۳۹۶) - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان آبدانان

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۳۶۳۰۱۳۳۸ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۴ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان خداآفرین

۳. البته شاید بتوان بر این رأی و آرای مشابه این نقد وارد باشد که خدمت در نظر گرفته شده بدین‌نحو (تعیین تعداد درخت یا تعداد تانکر آب) قابل تطبیق با زمان مشخص شده نباشد.

۴. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۳۶۳۰۱۳۳۸ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۰ - شعبه ۱۰۲ دادگاه کیفری دو شهر فیروزآباد

قبال جرم نگهداری نیم لیتر مشروب الکلی دست‌ساز»^۱، «۳۰۰ ساعت خدمت در مسجد و هیئت در ایام محرم و صفر و خدمت‌رسانی به نمازگزاران و عزاداران حسینی به دلیل بی‌احتیاطی در راندگی منجر به یک فقره قتل غیر عمدی»^۲ و «انجام ۲۷۰ ساعت خدمت عمومی رایگان جایگزین حبس در قالب حضور و مشارکت محکوم در امر نظیف و جمع‌آوری زباله‌های ره‌اشده در سطح جنگل، به منظور ارتکاب جرم مزاحمت و توهین به بانوان از طریق حرکات خلاف شأن متهم با ورود به آرایشگاه زنانه و ایجاد مزاحمت و استعمال الفاظ مغایر با شئون نسبت به شاکیان و پیشنهاد ارتکاب عمل منافعی عفت به آنان» اشاره کرد.^۳

البته تناسب مجازات با جرم ارتكابی لزوماً بدان معنا نیست که مجازات جایگزین و خدمت عمومی در زمینه‌ای مشترک و یا نهادها و مؤسسات مرتبط با جرم صورت گیرد؛ زیرا چه بسا این مشابهت زمینه ارتکاب آتی جرایم را فراهم کند. برای مثال «انجام خدمات عمومی رایگان در اداره محیط زیست برای ساعات قابل توجه به جرم شکار و صید غیر مجاز»^۴ چه بسا منجر به آشنایی بیشتر مجرم به مناطق شکار و صید و مناطق حضور حیوانات و همچنین نقشه‌ها و یا اطلاعات مفید و حیاتی برای شکار و صید گشته و با وجود گذراندن دوران خدمت، زمینه مناسبی را برای ارتکاب جرایم مشابه توسط وی فراهم آورد. الزام به خدمت در شبکه بهداشت به جرم قاچاق دارو نیز وضعیتی مشابه دارد.

۱-۲-۲- تناسباتی با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی مجرم

به طور کلی یکی از اهداف اصلی و مهم صدور آرای جایگزین حبس موضوع اصلاح و بازپروری مجرمان و مهیا کردن شرایط بازگشت به جامعه با توجه به شرایط ارتکاب جرم، نوع جرم و شخصیت مجرم است. این نکته به صراحت در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی نیز ذکر شده است که مجازات جایگزین حبس «... با ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه‌دیده و سایر اوضاع و احوال، تعیین و اجرا می‌شود» و همین الزام مجدداً در ماده ۶ آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است.

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۲۸۱۵۱۰۱۰۷۲ (بدون تاریخ) - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان محمدیه
 ۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۲۷۶۴۸۰۱۹۴۵ (بدون تاریخ) - شعبه ۱۰۸ دادگاه کیفری دو شهرستان قزوین
 ۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۳۴۱۱۶۰۰۸۱۸ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۲ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهر کرمان
 ۴. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۸۲۹۷۵۸۰۰۳۳۲ (بدون تاریخ) - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان محمدیه

بدین ترتیب تناسب رأی صادره با این عوامل یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزیابی کیفیت آرای جایگزین حبس و به‌ویژه خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازاتی جامعه‌محور است. این نکته را نیز باید افزود که تنها زمانی می‌توان به لحاظ شدن این عوامل از سوی قاضی پی برد که به‌صورت جامع و شفاف در متن دادنامه قید شده باشند، با این حال در بین دادنامه‌های مورد پژوهش مواردی قابل اشاره هستند که شخصیت مجرم، شرایط ارتکاب و سایر موارد قیدشده در دو ماده مذکور، به‌صورت جزئی و مشخص ذکر نمی‌شود و از این رو نمی‌توان تطبیق دقیقی بین جرم ارتكابی و مجازات صادره انجام داد. به‌عبارتی آن جهت که متن برخی دادنامه‌ها فاقد هرگونه اطلاعات درباره اوصاف و مشخصات متهم است و حتی سن متهم نیز مشخص نیست، احراز استحقاق متهم برای بهره‌مندی از مجازات جایگزین حبس و نیز احتمال اثرگذار بودن و یا تناسب آن از طریق دادنامه میسر نخواهد بود.

مسئله‌چنین کمبودهایی در متن دادنامه (بر فرض آنکه عوامل موردنظر، هنگام صدور رأی از سوی قاضی موردتوجه بوده باشد)، از اعتبار علمی و قضایی آن خواهد کاست. جدای از موارد فوق، گاه از شرایط مذکور در دادنامه‌ها برداشت می‌شود که مجازات‌های جایگزین صادره سنخیت چندانی با جرم ارتكابی ندارد. برای نمونه برای جرم حمل و نگهداری مشروبات الکلی حکم به انجام خدمات جنگلداری رایگان شامل تهیه و اهدا ۱۰۰۰ متر لوله قطره‌ای به ارزش پنج میلیون ریال به شهرداری، به‌منظور ایجاد کمربند سبز صادر شده است^۱ در مقابل در برخی آراء، دادرسی در رعایت این تناسب کرده بود. برای نمونه انجام خدمات عمومی رایگان به‌صورت یک‌صد ساعت در سازمان دامپزشکی در نشر اکاذیب در خصوص کیفیت محصول خریداری‌شده (مرغ) از طریق فضای مجازی؛^۲ یا اتهام قطع درختان با محکومیت به کاشت ۳۰۰ اصله درخت جنگلی از گونه‌های بومی و نگهداری از آن‌ها.^۳

به‌نظر برای ارتقای کیفیت دادنامه‌ها، لازم است که همواره مواردی که از سوی قانون‌گذار مطالبه‌شده و هریک به‌تنهایی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در مجازات متناسب بگذارد، به‌صورت صریح و جامع در متن دادنامه قید شده سپس با در نظر گرفتن تمامی جهات، مجازات جایگزین (خدمات عمومی) مناسب را برگزینند.

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۴۰۱۲۴۹ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۵ - شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس

۲. (شماره دادنامه ناخوانا) مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان میبد

۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۳۶۲۳۰۱۳۴۱ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۴ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان خدآفرین

۱-۲-۳- قابلیت اجرای رأی

کاملاً روشن است که هدف نهایی از صدور اعلام مجرمیت و تعیین مجازات، اجرایی شدن این تصمیم و حصول آثار متعاقب آن است. در ارتباط با جایگزین‌های حبس به‌عنوان اشکال نوین کیفر و فاصله گرفتن از اهداف و ویژگی‌های سنتی مجازات، این مسئله از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

در نتیجه میزان اجرایی بودن ضمانت‌اجرای تعیین‌شده را می‌توان معیاری دیگر جهت ارزیابی مجازات‌های جایگزین حبس و به‌ویژه خدمات عمومی رایگان تصور کرد. با این حال نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نقاط مبهم موجود در برخی دادنامه‌ها به حدی پُررنگ بوده است که شاید امکان اجرای آن منتفی باشد.

برای نمونه در یکی از آرای بررسی‌شده به دلیل ارتکاب جرم قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و یا عدم رعایت نظامات، موضوع ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی^۱ مجازات سه‌سال حبس تعیین و سپس خدمات عمومی رایگان به‌عنوان جایگزین آن در نظر گرفته شده و مقرر شده است که خدمت مورد حکم ظرف سه‌ماه انجام گیرد.^۲ حال مسلم است که با توجه به قرار گرفتن مجازات مورد نظر در بند «ت» ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی و لزوم رعایت قواعد تبصره ۱ همین ماده (انجام خدمت رایگان روزانه حداکثر به مدت ۴ ساعت برای افراد شاغل و ۸ ساعت برای افراد غیر شاغل) در خصوص ساعات انجام خدمت عمومی رایگان در یک روز، اجرای تصمیم دادگاه در بازه‌ی تعیین‌شده، امکان‌پذیر نخواهد بود.

به‌عنوان نمونه‌ای دیگر می‌توان به تعیین «کاشت درخت و نگهداری از آن تا زمانی که رشد آن‌ها بدون دخالت انسان فراهم شود» به‌عنوان خدمت عمومی اشاره کرده که اجرایی شدن دستور ارائه‌شده با توجه به شرط مبهم مذکور، با مشکل روبه‌رو خواهد بود.^۳ چنین مواردی مؤید این مطلب است که با وجود لزوم توجه به داده‌های جرم‌شناختی و استفاده از نهادهای نوین کیفری، هیچ‌گاه نباید قابلیت اجرای شدن یک ضمانت‌اجرا را از نظر دور داشت؛ زیرا

۱. در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود، مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد، مگر اینکه خطای محض باشد.

تبصره - مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی‌شود.

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۱۵۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر سلماس

۳. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۳۶۳۰۱۳۴۲ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۴ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان خداآفرین

بدون توجه به این شاخص، رأی کیفری به بیانیه‌ای صرف تبدیل شده و در نهایت آثار منفی نیز به‌همراه خواهد داشت.

۱-۲-۴- رعایت اصل حداقل بودن حقوق کیفری

براساس الگوی «کیفردهی مبتنی بر واقعیت‌های رفتار مجرمانه»^۱، قضات به‌هنگام کیفرگزینی باید ویژگی‌های بزه‌کار را مدنظر قرار دهد و واکنش کیفری را متناسب با آن تعیین کنند.

ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی اسلامی نیز با تبعیت از همین الگو، دادگاه را ملزم کرده است تا در تعیین مجازات تعزیری، مواردی مانند انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم، اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم و سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی را موردتوجه قرار دهد و در همین زمینه، اختیارات گسترده‌ای در حوزه مجازات‌های تعزیری به قضات داده شده است، اما بررسی رویه قضایی موجود نشان‌دهنده این امر است که اعطای اختیارات گسترده به قضات در تعیین کیفرهای تعزیری با هدف دست‌یابی به فردی کردن کیفر، به‌دلیل فراهم نبودن زمینه‌های لازم، سبب از بین رفتن انسجام در تعیین کیفر شده است (صبوری‌پور، ۱۳۹۷: ۱۲۵).

حال ازجمله عواملی که می‌تواند به‌عنوان تحدیدکننده این عدم انسجام مورد استفاده قرار گیرد، رعایت اصل حداقل بودن (کمینه‌گرایی) حقوق کیفری و حداقل بودن کیفر است. اصل حداقل بودن حقوق کیفری به‌معنای منع و نفی مجازات و الغای کیفر عادلانه و متناسب با جرم نیست، بلکه ناظر به ضرورت توسل به مجازات متناسب و عادلانه به‌عنوان پاسخی قابل‌توجیه و مشروع است.

مقتضای رعایت اصل حداقل بودن در تعیین مجازات و کیفردهی، صدور حکم و تعیین مجازات با کمترین میزان شدت و مطابق با اهداف حاکم بر کیفردهی است (غلامی، ۱۳۹۱: ۶۱). به این منظور، بدیهی است که مجازات باید بر مبنای اصل حداقل بودن، دارای چنان قابلیت توجیهی باشد که آن را به مثابه پاسخی متناسب و عادلانه، گریزناپذیر و غیرقابل جایگزین کند (محسنی و رحیمیان؛ ۱۳۹۸: ۱۵۸).^۲

1. Real offence sentencing

در مقابل الگوی «کیفردهی مبتنی بر عنوان اتهامی» (Charge-offence sentencing) قرار دارد.

۲. شایان ذکر است که لزوم توجیه حکم صادره مفهومی متفاوت از «لزوم توجیه حکم به حبس» است. بحث لزوم توجیه کیفرهای حبس که می‌توان خاستگاه آن را در حقوق کیفری جست‌وجو کرد، قاضی در تعیین کیفر حبس، دارای اختیار بی‌ضابطه و کامل نیست؛ بلکه مقید و محصور در دو ضابطه است: الف) ضرورت تعیین کیفر حبس؛ ب) محدود و مقید بودن وی به رعایت شرایط مختلف در مقام صدور حکم حبس. در این چارچوب قاضی ملزم است مجازات حبس را به‌عنوان انتخاب آخر خود قرار داده و در صورت صدور، ثابت کند امکان تعدیل آن (صدور نهادهای

هرچند این اصل به طور صریح در قوانین ایران ذکر نشده است، اما مفاده تبصره ۱۸ قانون مجازات اسلامی (موضوع ماده ۲ قانون کاهش مجازات‌های تعزیری) بازتاب پذیرش همین اصل از سوی قانون‌گذار است. به موجب این ماده قاضی در هر مورد به منظور صدور حکم به بیش از حداقل قانونی باید دلایل خود را ذکر کند و از این طریق کیفر تعیین شده را توجه نماید.

با توجه به اینکه تاریخ تصویب ماده مورد اشاره پس از صدور آرای مورد بررسی در این پژوهش بوده است، نقد نمونه‌ها از این منظر امکان‌پذیر نیست، با این حال انتظار می‌رود که قضات از این پس با در نظر گرفتن اصل حداقل بودن حقوق جزا و اصل حداقل بودن حبس (مستفاده از تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی)، به عنوان اصول اولیه حقوق کیفری، توجه به مبانی فقهی مؤید این اصول^۱ و نیز حاکم بودن «الگوی جایگزینی»^۲ بر مجازات‌های فصل نهم (کتاب کلیات)، همواره حکم به حداقل مجازات‌های جایگزین را پیش فرض آرای خود قرار دهند. بدین ترتیب می‌توان مدعی شد قضات در صورت حکم به بیش از حداقل قانونی مجازات‌های جایگزین با رعایت مفاد تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی باید دلیل این تصمیم را بیان کنند (مستدل بودن) و تنها در صورتی رأی موجه خواهد بود که این دلایل متناسب و مقبول باشند.

ارفاقی جایگزین) وجود نداشت است. در واقع این الزام بیان‌گر همان اصل حداقل بودن حقوق کیفری و یا اصل کاربرد کمینه حقوق کیفری است (ابراهیمی و رحیمیان، ۱۳۹۷: ۱۳۵ و ۱۳۸).

با این حال با وجود اشارات ضمنی قانون‌گذار به الزام قضات در توجیه کیفر حبس، با توجه به اینکه همچنان در قوانین کیفری ایران، شاهد رویکرد علمی منسجم و قابل‌اعتنایی در زمینه‌های گزینش کیفر حبس نیستیم (ابراهیمی و رحیمیان، ۱۳۹۷: ۱۴۵). و به علاوه با در نظر گرفتن این نکته که پژوهش حاضر بر آرای جایگزین تمرکز کرده که قضات به هر دلیل از صدور حکم به حبس پرهیز کرده‌اند و از جهت لزوم توجیه حبس، قابل نقد نبوده‌اند، بنابراین این مفهوم مورد ارزیابی مستقل قرار نگرفته است.

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص رویکرد حداقل‌گرای فقهی به کیفر حبس در جرایم تعزیری نگاه کنید به: محسنی فرید، رحیمیان، رضا (۱۳۹۸)، «اصل تعیین حداقل کیفر حبس (تأملی تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق فرانسه)»، فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب. س ششم، ش سوم، صص ۱۵۸ تا ۱۶۳.

۲. ویژگی آشکار الگوی جایگزینی این است که مجازات‌های مشمول این الگو، مجازات‌های مستقلی نیستند، بلکه وجود آن‌ها تابع مجازات حبس است و تا حدودی از چارچوب‌های همین مجازات اصلی پیروی می‌کنند. جهت مطالعه بیشتر در خصوص «الگوی جایگزینی» نگاه کنید به:

شمس‌ناتری، محمدابراهیم؛ ریاحی، جواد (۱۳۹۱)، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، حقوق اسلامی، س نهم، ش ۳۳، صص ۲۱۶-۱۹۱.

۲- شاخص‌های شکلی

شاخص‌های شکلی در این پژوهش در مقابل شاخص‌های ماهوی، دربرگیرنده عواملی است که هرچند اساس دادنامه بر آن‌ها استوار نبوده، قانون‌گذار اشاره صریحی به آن‌ها نداشته و با نقصان آن‌ها، رأی از نظر قضایی و فنی نیز قابل‌خداشه نخواهد بود؛ با این حال می‌تواند در اثربخشی، اجرایی شدن و یا از لحاظ علمی مورد استناد قرار گرفتن آرا سهم به‌سزایی داشته باشند. چنین شاخص‌هایی عمدتاً با نحوه نگارش شکلی، حقوقی و ادبی رأی مرتبط بوده و یا میزان ابتکار و بدیع بودن آن را نشان می‌دهد. از این رو شاخص‌های شکلی حاصل از بررسی دادنامه‌های مورد مطالعه نیز ذیل دو عنوان اصلی «ابتکاری و بدیع بودن رأی» و «رعایت آئین نگارشی و ساختاری» مطرح شده است.

۲-۱- ابتکاری و بدیع بودن

قانون‌گذار دسته‌ای از تدابیر جایگزین حبس را در آئین‌نامه ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی کرده است، اما جزئیات و کیفیت اجرای این تدابیر با توجه به اطلاعات موجود در پرونده و نیز امکانات شهرهای محل استقرار دادگاه و اجرای حکم نیاز به درک صحیح قضات از مقتضیات اجتماعی و بهره‌گیری آن‌ها از علوم جرم‌شناسی و مانند آن دارد.

در این چارچوب انتظار می‌رود که در راستای اصل فردی‌کردن هرچه بیشتر مجازات‌ها، با توجه به وجود متغیرهای تأثیرگذار فراوان در هر پرونده مانند سن، جنس، شغل/تخصص بزه‌کار و وضعیت اقتصادی-اجتماعی او، همچنین مقتضیات محلی و حتی اوضاع و احوال بزه‌دیده، حتی در جرایم مشابه نیز شاهد حکم نمودن به خدماتی متفاوت باشیم.

چنین امری نیازمند خلاقیت و البته صرف زمان بیشتر از سوی قاضی خواهد بود که در نهایت می‌توان آرای صادره‌شده با این نگاه را، بدیع و مبتکرانه به حساب آورد. برای مثال در یک مورد قضایی به دلیل «نشر اکاذیب علیه فروشنده گوشت و مرغ» مجرم را مستحق «انجام ۱۰۰ ساعت خدمت در دامپزشکی» دانسته است.^۱

در مقابل می‌توان آرای را مشاهده کرد که در آن‌ها قضات به پیروی از یک متن مشخص، تمام مجرمان در ارتباط با یک جرم خاص و حتی مرتکبان جرایم متفاوت را به خدمتی عمومی مشابه محکوم می‌کنند.^۲

۱. (شماره دادنامه ناخوانا) مورخ ۱۳۹۶/۷/۵ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان میبد

۲. برای مثال تعداد زیادی از دادنامه‌های شهرهای مرزی مثل بندرعباس درخصوص جرایم حمل کالای قاچاق یا مشروبات الکلی به خدمات جنگل‌داری رایگان اختصاص یافته است. به‌عنوان نمونه دادنامه شماره ۱۳۳۸۰۱۳۳۶۳۳۶۳۰۹۶۰۹۹۷ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۱ - شعبه اول دادگاه انقلاب شهرستان بندرعباس

از نمونه‌های مذکور چنین برداشت می‌شود که هر چند براساس داده‌های جرم‌شناختی به‌کار بستن کیفرهای نوین به‌ویژه کیفرهای جامعه‌محور مانند مجازات خدمات عمومی رایگان می‌تواند منشأ اثرات مثبتی باشد، اما وقوع چنین امری با توجه به چندوجهی بودن این ضمانت‌اجراهای نوین، فرایندی زمان‌بر و همچنین نیازمند لحاظ نمودن متغیرهای گوناگون است که در هر پرونده مقتضیات خاص خود را می‌طلبد و بدین ترتیب با تهیه فرم‌های از پیش تهیه شده و تکرار یک نوع از خدمت عمومی در موارد متعدد و متفاوت، حصول نتایج مدنظر واقع‌بینانه نخواهد بود.

۲-۲- رعایت آئین نگارشی و ساختاری

هر چند عموم توجه بر آرای قضایی بر جنبه ماهوی آن بوده و نکات فنی مورد ارزیابی یا نقد قرار می‌گیرد، با این حال دادنامه به‌عنوان متنی که مخاطب اصلی آن مردمانی عادی و غیرحقوقی هستند نیز حائز اهمیت است. از این نگاه، دادنامه صادره مانند هر متن دیگر باید از اصول و قواعد نگارشی پیروی کند. اصولی که به خواننده رأی جدای از حرفه و تخصص او کمک خواهد کرد که فهم و درک بهتری از متن و محتوای آن داشته باشد. این اصول را می‌توان ذیل دو عنوان «رعایت اصول ادبی و حقوقی نگارش دادنامه» و «رعایت اصول ساختاری دادنامه» مطرح کرد.

۲-۲-۱- رعایت اصول ادبی و حقوقی نگارش دادنامه

رعایت اصول و قواعد ادبی مختص به دادنامه و نگارش رأی نبوده و تمام متون را شامل خواهد شد. با این حال مواردی مانند اغلاط املائی، عدم رعایت ساختار صحیح جمله، اطاله متن و ... می‌تواند بر میزان اعتبار و قابل استناد بودن یک رأی تأثیرگذار باشد. همچنین می‌توان موارد مذکور را به‌طور خاص در چارچوب ادبیات حقوقی تصور کرد.

در ارتباط با این معیار می‌توان مدعی شد که عمده دادنامه‌های بررسی شده از سطح خوبی برخوردار بوده و دارای مشکلات قابل توجهی نبودند. با این حال مواردی نیز مشاهده شد که در متن دادنامه ایرادهایی مانند اشتباه تایپی^۱ یا اشتباه مفهومی وجود داشته است. برای نمونه در متن یکی از دادنامه‌ها از عبارت «با مدنظر قرار دادن اضلاع چهارگانه مثلث جرم، مسئولیت کیفری، بزه‌یده و مجازات» استفاده شده بود!^۲

از دیگر مواردی که در جهت ارتقای آرا می‌توان بدان توجه کرد، پرهیز از استنادات متعدد و غیرضرور است؛ زیرا همان‌طور که نبود استنادات کافی می‌تواند به اعتبار یک دادنامه خدشه وارد

۱. این امکان وجود دارد که این اشتباهات توسط شخصی که متن دادنامه را تایپ کرده رخ داده باشد. با این حال با توجه به امضای این متن توسط قاضی صادرکننده، دقت به متن نهایی نیز حائز اهمیت خواهد بود.

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۰۸۶۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۸ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر سلماس

کند، ذکر استنادات پُرشمار که نقش اساسی در تعیین حکم خاص هر پرونده ندارند، از کیفیت ادبی متن خواهد کاست. برای مثال در یکی از دادنامه‌های بررسی شده در این پژوهش چنین آمده است که «... مستند به ماده ۶۱۶ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ و مواد ۳۷ و ۳۸ (وجود جهات مخففه در پرونده)، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۴ (مسئولیت کیفری مرتکب و شرایط حاکم بر آن) ۱۶۰، ۱۶۱ (ادله اثبات جرم) ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱ و ۱۷۲ (شرایط اقرار و اقرار مرتکب به ارتکاب جرم از جانب خود) ۴۴۹ و ۴۵۰ (دیه و موارد پرداخت آن) ۴۵۲ (آثار ناظر بر دیه و مصادیق و پرداخت آن) ۴۵۴ (ادله اثبات دیه) ۴۶۲، ۴۸۸، ۴۸۹ و ۴۹۰ (پرداخت‌کننده دیه و مهلت پرداخت آن در جنایات غیر عمدی شبه‌عمد و خطای محض به ترتیب دو سال قمری از تاریخ ورود وقوع بزه و نحوه پرداخت آن) ۴۹۲، ۴۹۳ و ۵۲۹ (استناد جنایت به رفتار مرتکب جرم و احراز تقصیر) ۵۵۹، ۵۵۸ و ۵۶۲ (قواعد عمومی دیه اعضا) ۵۴۹، ۵۵۰ و ۵۵۱ از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و ۳۶۱، ۳۷۱، ۳۷۴ و ۳۷۸ (ناظر بر نحوه کیفیت ترتیب و تشریفات رسیدگی و دادرسی منصفانه، نحوه اخذ اظهارات طرفین و رعایت حقوق طرفین پرونده، بزه‌دیده و مرتکب جرم، رعایت قواعد ناظر بر رسیدگی علنی و توافقی و رسیدگی به ادله اثبات جرم، کیفیت رسیدگی در دادگاه و صدور رأی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات و الحاقات بعدی) ... در راستای اجرای مواد ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۷۰، ۷۱، ۷۵، ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۷ (راجع به مجازات‌های جایگزین حبس و نحوه و کیفیت اعمال آن) و قواعد آمره حاکم بر آن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز رأی وحدت رویه شماره ۷۴۶ مورخ ۱۳۹۴/۱۰/۲۹ و مفاد آئین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مرقوم...»^۱.

به نظر می‌رسد ذکر این تعداد از مواد و دیگر مستندات قانونی، جدای از اینکه مخاطب (غیر حقوقی) را در فهم و درک با مشکل روبه‌رو می‌کند، نقش خاصی را نیز ایفا نکرده و نبود آن‌ها لطمه‌ای به وصف مستند بودن دادنامه وارد نخواهد آورد؛ زیرا مواردی مانند ادله اثبات، تشریفات رسیدگی، مسئولیت کیفری و سایر قواعد عمومی بر تمام آرا حاکم بوده و جز موارد خاص نیازی به مورد اشاره قرار دادن آن‌ها نیست.

۲-۲-۲- رعایت اصول ساختاری دادنامه

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، رأی دادگاه از سه قسمت مختلف تشکیل می‌شود: ۱- مقدمه که در آن مشخصات طرفین دعوا، خواسته/شکایت، خلاصه‌ای از ادعای مطرح‌شده، دفاعیات و استدلال‌ات آن‌ها ذکر می‌شود. ۲- اسباب مواجهه، به معنای جهات و دلایلی که موجب اقناع دادرس

۱. دادنامه شماره ۱۵۱۹/۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰ مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر سلماس

در حاکمیت یکی از دو طرف و انگیزه او در صدور حکم می‌شود و شامل ادله و نیز نص قانون یا روح آن و یا اصول مورد استناد است و به عبارتی دربرگیرنده اموری خواهد بود که مبنا و اساس حکم را تشکیل می‌دهد و آن را موجه می‌سازد؛ ۳- نتیجه، منطوق یا مفاد رأی که در این بخش دادگاه تکلیف را از حیث قبول یا رد ادعای نخستین مشخص می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۹: ۱۵۵).

نمونه بارز دسته‌بندی مذکور را به‌طور مثال می‌توان در یکی از دادنامه‌های بررسی شده مشاهده کرد که در آن قاضی اقدام به جدا نمودن بخش‌های مختلف دادنامه خود نموده و بخش اول را به «شرح جریان پرونده و مقدمه رأی»، بخش دوم را به «استدلال قضایی دادگاه و اسباب موجهه رأی (جهت موضوعی و قانونی)، بخش سوم را به «توجیه نوع و میزان کیفر و دستورات مسئله‌محور دادگاه» و بخش چهارم را به «نتیجه و منطوق رأی دادگاه» اختصاص داده است.^۱

بدین ترتیب انتظار می‌رود که قضات با رعایت کلی این چارچوب، در هر مورد محتوای دادنامه را متناسب و مختص با همان پرونده و بیانی قضایی تنظیم کرده و از بیان مطالب کلی که در مورد اکثر و حتی تمام پرونده‌ها صادق خواهد بود، پرهیزند.

با این حال یکی از نکات قابل توجه در برخی دادنامه‌های مطالعه‌شده، ورود ادبیات علمی و جرم‌شناختی به متن رأی بود. برای نمونه در دادنامه زیر بخش عمده مطالبی که در توجیه تبدیل حبس به مجازات جایگزین در متن بیان شده، جنبه مقاله‌ای دارد که جزء رأی قضایی نیست:

«... بزه انتسابی به متهم را محرز و مسلم دانسته و با مدنظر قرار دادن اضلاع چهارگانه جرم، مسئولیت کیفری، بزه‌دیده و مجازات و اینکه عناصر تشکیل‌دهنده بزه، عنصر قانونی (گزینش کیفر مناسب از گنجینه موجود کیفرها)، عنصر مادی (فراهم شدن شرایط لازمه خواسته این بزه) و عنصر معنوی یا روانی محقق شده است ... وانگهی نظر به جهات مخففه و با التفات به اینکه توسل به عدالت کیفری باید منصفانه و انسان‌گرایانه و مبتنی بر اصل کارآمدی و تأثیرگذاری باشد، در اعمال و اجرای عدالت کیفری باید نه فقط بر تناسب، بلکه بر صرفه‌جویی تأکید کرد. به عبارتی دیگر در اجرای عدالت کیفری موضوع فقط احراز تناسب و موضوعیت دانستن اعمال آن نیست، بلکه احراز عدم امکان توسل به سایر ابزارها و نهادها و دانشگاه‌ها نیز هست. بر این اساس عدالت کیفری باید در نتیجه احراز عدم امکان توسل به سایر انواع مداخله‌ها صورت گیرد. اگر مهم‌ترین هدف مداخله کیفری تنزل باشد، ممکن است بتوان چنین هدفی را با توسل به ابزارهای مذهبی فرهنگی اداری و اقتصادی مدیریتی به‌نحو مناسب‌تر با هزینه کمتری محقق نمود. چنین ابزارهایی ضمن حفظ تعادل

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۰۸۶۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۸ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر سلماس

اجتماعی برای اصلاح و بهبود شرایط زیست در جامعه نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. مداخله کیفری بی‌رویه ارزش و اهمیت و کارکردهای سایر ابزارهای کنترل اجتماعی را نیز سلب کرده یا در معرض تردید قرار می‌دهد. از این رو با ملاحظه استحقاق متهم و اینکه برای نخستین بار مرتکب این جرم شده است در راستای سیاست فردی کردن مجازات‌ها ... حبس نامبرده را ... جایگزین می‌کند.^۱

از دیگر مواردی که در راستای رعایت ساختار یک دادنامه متناسب باید مدنظر قرار گیرد، پرهیز از به‌کار بردن و نقل احادیث و روایات و یا جملات مقامات سیاسی و مذهبی در متن رأی به‌منظور گزینش نوع جایگزین یا نوع خدمت عمومی است؛ زیرا متناسب و موجه بودن رأی براساس معیارهایی که پیش‌تر نیز اشاره شد، سنجیده می‌شود و چنین نقل قول یا استنادهایی نقشی ایفا نخواهد کرد. برای نمونه در یکی از دادنامه‌ها، پس از محکوم شدن مرتکب به کاشت ۲۰ اصله نهال در معابر عمومی شهر، به فرمایش مقامات سیاسی و مذهبی استناد کرده و در متن دادنامه، صحبت‌های شفاهی ذکر می‌شود: «خواهش می‌کنیم که درخت را پاس بدانند و فضای سبز را اهمیت بدهند. «هر ایرانی یک درخت» که گفته می‌شود و در زبان‌ها هست، شعار خوبی است؛ سعی کنند در این ایام - که ایام درخت‌کاری و فصل درخت‌کاری است - هر چه می‌توانند [کاشت درخت را] افزایش دهند».^۲

لزوم پرهیز از وارد کردن مباحث علوم جرم‌شناختی و کیفرشناختی و یا سخنان مقامات سیاسی و مذهبی به متن دادنامه‌ها از آن روی است که با نگاهی دقیق این موارد در هیچ‌یک از بخش‌های موردانتظار یک دادنامه نمی‌گنجد. دادگاه همواره باید تکلیف هر قضیه را به‌طور جزئی معلوم نموده و حکم کلی ندهد؛ بنابراین بیان مطالب کلی که ارتباط مستقیم با پرونده مورد بررسی ندارد، نه به‌عنوان اسباب موجهه رأی قابل‌پذیرش است و نه نقشی در انشای منطوق رأی ایفا می‌کند.

نگارش منطوق یا نتیجه رأی مجازات خدمات عمومی رایگان نیز چارچوب مختص به‌خود را دارد؛ زیرا این قسم از آراء، مستلزم تعیین دقیق نوع خدمت عمومی رایگان، میزان خدمت، نهاد پذیرنده و ناظر اجرای خدمت است. به‌عبارتی در یک دادنامه متضمن خدمت عمومی رایگان، منطوق رأی باید تمام موارد مذکور را به‌طور صریح مشخص کند. برای مثال در یکی از دادنامه‌ها، دادگاه شش ماه حبس تعزیری به‌علت جرم مزاحمت تلفنی با انجام ۵۴۰ ساعت خدمات عمومی رایگان جایگزین کرده و متذکر شده است، این خدمت از نوع نظافت معابر عمومی دقیقاً در میدان امام حسین شهرستان ... با لباس مقدس و مخصوص کارگران زحمتکش شهرداری، روزانه به‌مدت ۲ ساعت در

۱. دادنامه شماره ۱۵۱۹/۹۹۷۴۴۹۷۵۰ مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهر سلماس

۲. دادنامه شماره ۱۲۸۰/۹۹۸۲۹۴۷۲۰ (بدون تاریخ) - شعبه دادگاه عمومی بخش دشتابی

ساعات بین ۱۰ صبح لغایت ۱۲ ظهر به صورت مستمر به غیر از روزهای جمعه به مدت چهل و پنج هفته متوالی زیر نظر معاونت خدمات شهری شهرستان به عنوان نهاد پذیرنده و با نظارت واحد اجرای احکام خواهد بود.^۱

لیکن در برخی دادنامه‌ها، نوع خدمت، نهاد پذیرنده و یا مرجع نظارتی به طور دقیق مشخص نبوده است. در این موارد هر چند انجام خدمت عمومی به طور کلی قابلیت اجرایی خود را از دست نداده است، با این حال در مقام اجرا ابهاماتی از متن رأی ایجاد می‌شود.

برای نمونه در یکی از دادنامه‌ها مرتکب (کمتر از ۱۸ سال) به اتهام عمل منافی عفت زنا با استناد به بند «ب» از ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی به انجام ۱۸۰ ساعت خدمات عمومی رایگان از نوع هر روز تمیز کردن مسجد یک روستا بین ساعت ۱۱ الی ۱۳ محکوم شده است.^۲ نکته حائز اهمیت این دادنامه مشخص نبودن نهاد پذیرنده و همچنین چگونگی نظارت بر نحوه انجام خدمات عمومی رایگان است.

در یکی از دادنامه‌های دیگر، دادگاه متهم را برای اتهام صید غیرمجاز به تحمل ۵ ماه حبس محکوم کرده و سپس این مجازات را به انجام ۴۰۰ ساعت خدمات عمومی رایگان در منطقه حفاظت شده تبدیل کرده است. لکن نوع خدمتی که در این منطقه باید انجام شود، مشخص نیست.^۳ بدیهی است که در منطقه حفاظت شده با توجه به شخصیت متهم و جرم ارتكابی می‌توان مسئولیت‌ها، وظایف و اجرای خدمات مختلفی را به وی واگذار کرد که در دادنامه این موضوع مشخص نبود. همچنین در دادنامه دیگری، ۳۴۰ ساعت خدمت در شهرداری برای مرتکب تعیین شده بود، اما مشخص نبود که منظور قاضی از خدمت در شهرداری انجام کارهای خدماتی مانند رفتگری و ... بوده است یا هر نوع خدمتی که مرجع اجرای احکام کیفری معین کند، ملاک عمل قرار می‌گیرد.^۴

بنابراین هر چند شاید عدم رعایت ساختار رایج یک دادنامه، ویژگی معتبر بودن یا مستند بودن آن را زایل نکند و یا قابلیت اجرای رأی را از بین نبرد، اما می‌تواند به درک و یا حتی اجرای آن صدماتی وارد نماید.

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۱۳۹۱۰۰۵۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان بناب

۲. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۶۵۰۴۲۰۰۰۵۷ مورخ ۱۳۹۶/۷/۲۳ - شعبه ۶ دادگاه کیفری یک استان آذربایجان شرقی (مستقر در شهرستان مراغه)

۳. (شماره دادنامه ناخوانا) مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۶ - شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری دو شهرستان میبد

۴. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۲۲۹۰۸۰۱۸۱۰ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲ - شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان رباط کریم

نتیجه‌گیری

در پی یافته‌های مطالعات کیفرشناختی و ارزیابی آثار و نتایج زندان، نظام‌های حقوقی گام در مسیر طراحی و گزینش کیفرهای جدیدی به‌عنوان کیفرهای جایگزین حبس یا مجازات‌های بینابین، گذاشتند که ضمن دوری از آسیب‌های زندان بر مجرم و به‌همراه نداشتن هزینه‌های اقتصادی هنگفت و بی‌نتیجه برای جامعه، مهم‌ترین هدف از اعمال مجازات حبس؛ یعنی اصلاح، بازپروری و بازاجتماعی شدن مجرم نیز تأمین شود. با وجود آثار مثبت چنین نهادهایی، مباحث نظری و داده‌های مطالعات کیفرشناختی حاکی از آن است که اثربخش بودن چنین ضمانت‌اجراهایی، در گروی فراهم بودن بسترهای مقتضی است. این بسترها دارای شاخه‌های گوناگونی است که می‌توان آن‌ها را ذیل دو عنوان کلی بسترهای فرهنگی و اجرایی مطرح کرد.

داده‌های مقاله حاضر نیز که با ملاک قرار دادن آرای قضایی به‌عنوان واحد تحلیل، بر دادنامه‌های مرتبط با مجازات خدمات عمومی رایگان تمرکز کرده، حاکی از آن است که نقص‌هایی ماهوی و شکلی در دادنامه‌های صادرشده در این حوزه، قابل مشاهده است.

شاخص‌های ماهوی این پژوهش بر دو معیار کلی، الف) مستند بودن رأی و رعایت الزامات قانونی خاص مجازات‌های جایگزین حبس و ب) مستدل و موجه بودن رأی، استوار گردید. در ارتباط با معیار نخست، بررسی دادنامه‌ها حاکی از آن بود که در برخی موارد رأی صادره بدون استنادات قانونی کافی و در پاره‌ای از نمونه‌ها با استنادات نادرست بوده است. درخصوص معیار دوم نیز دادنامه‌هایی مشاهده شد که تصمیم‌های اتخاذشده از سوی مقام قضایی با جرم و کیفیت ارتکاب آن تناسب نداشته، با ویژگی‌های شخصیتی و اجتماعی مجرم متناسب نبوده و یا نوع کیفیات خدمت تعیین‌شده به‌گونه‌ای بوده است که قابلیت اجرا نداشته است. همچنین با توجه به ورود اصل کمیته‌گرایی حقوقی کیفری (حداقل بودن حقوق جزا) به حقوق ایران به‌واسطه تصویب تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی (موضوع ماده ۲ قانون کاهش مجازات تعزیری)، می‌توان مدعی شد که از این پس رعایت، رعایت این اصل نیز از عوامل موجه بودن آرای مرتبط با جایگزین‌های حبس محسوب شود.

شالوده‌های شاخص‌های شکلی نیز مبتنی بر الف) ابتکاری و بدیع بودن رأی و ب) رعایت آئین نگارشی و ساختاری، بوده است. داده‌های نمونه‌های بررسی‌شده در این خصوص نیز نمایان‌گر وجود برخی نواقص بوده است. برای مثال گاه مشاهده می‌شود که در یک حوزه قضایی از یک نوع خدمت عمومی مشخص (با توجه به اقتضانات منطقه) برای عنوان مجرمانه گوناگون و مرتکبانی با شرایط متفاوت استفاده شده است. همچنین در این بین دادنامه‌هایی مورد بررسی قرار گرفته است که با

استناد به مواد قانونی متعدد و غیر ضرور که وجود آن‌ها در تمام موارد محکومیت مفروض است (مواد مرتبط با مسئولیت کیفری، ادله اثبات و ...) یا وارد کردن مباحث کیفرشناسی و جرم‌شناسی در متن دادنامه دچار اطاله شده و یا از چارچوب دادنامه فاصله گرفته‌اند به نحوی که فهم حکم دادگاه برای متخصصان قضایی نیز دشوار خواهد بود.

البته داده‌های بیان شده بدان معنا نیست که تمام ایرادات مذکور یا بیشتر آن‌ها در تمام آرا وجود داشته است، بلکه درصد بالایی از دادنامه‌ها به لحاظ اکثر این شاخص‌ها در سطح مطلوبی بوده‌اند. با این حال، عمده نمونه‌های مورد بررسی دست‌کم در یکی از شاخص‌های مورد نظر دچار نقصان بوده است.

تحلیل آرای مورد بررسی بیانگر مهیا نبودن یکی از مهم‌ترین بسترهای کاربست مجازات‌های جایگزین حبس و به‌ویژه خدمات عمومی رایگان؛ یعنی بستر آموزشی و فرهنگی است. این بسترها را می‌توان در دو سطح متفاوت در نظر گرفت:

الف) عدم آگاهی کافی در ارتباط با ابعاد فنی نهادهای جدید (آموزش‌های فنی)؛

ب) عدم آگاهی مناسب در خصوص ماهیت، مبنا، اهداف، آثار و ضرورت‌های کاربست نهادهای کیفری نوین (آموزش‌های مبنایی)؛

از آنجایی که مجازات‌های اجتماع‌محور یک پدیده نوظهور بوده و اغلب دادرسان به آن به دیده تردید می‌نگرند، لازم است تا فلسفه کیفرهای اجتماع‌محور (به‌طور کلی) و کیفر خدمات عمومی رایگان (به‌طور خاص) و جنبه‌های حقوقی و کیفرشناختی آن‌ها برای دادرسان تبیین شود و قضات صادرکننده، آموزش‌های تخصصی لازم را ببینند.

همچنین یافته‌های پژوهش صورت گرفته را می‌توان مؤید داده‌های پژوهش‌های نظری در خصوص وجود چالشی دیگر تحت عنوان حجم بالای پرونده‌های کیفری (توزم پرونده‌های کیفری)، نبود فرصت کافی به منظور رسیدگی دقیق و بررسی همه‌جانبه و نیز ارزیابی کمی عملکرد قضات دانست؛ زیرا در شرایطی که قاضی همواره در تلاش برای صرفه‌جویی در وقت و افزایش سرعت کار خود است (در کنار مشکلات دیگر مانند نبود پرونده شخصیت و سبج کیفری)، کار تحقیقی در سوابق کیفری و شخصیتی فرد و نیز کسب اطلاع از ظرفیت‌ها و اعلام آمادگی نهادهای پذیرنده و در نهایت تعیین خدماتی در تناسب با جرم ارتكابی و مجرم و نیز رعایت سایر شاخص‌ها، امری بسیار دشوار خواهد بود که وقوع لغزش در این فرایند دور از انتظار نیست.

بنابراین نه تنها نرخ صدور، بلکه کیفیت آرای مرتبط با کیفرهای اجتماع‌محور نیز تابعی از فراهم بودن بسترهای لازم است و در صورتی می‌توان انتظار افزایش نرخ صدور این گونه از کیفرها و نیز بهبود

شرایط ماهوی و شکلی آن‌ها را داشت که علاوه بر آموزش‌های مستمر، فرصت مناسب نیز جهت رسیدگی به پرونده در اختیار قضات قرار گیرد.

بدین ترتیب به‌عنوان برآیند نهایی پژوهش صورت‌گرفته، راهکارهای زیر به‌منظور بهبود کیفی و کمی آرای جایگزین حبس و به‌طور خاص خدمات عمومی رایگان و نیز برطرف شدن نواقص احتمالی در دو سطح کلان (عام) و خاص قابل‌ارائه است:

الف) در سطح کلان^۱ می‌توان دو عامل مجزا را پیشنهاد کرد. نخست برطرف نمودن مشکل تورم پرونده‌های کیفری. بدین ترتیب در صورتی که سیاست‌گذاران قضایی با معضل مورد اشاره مقابله کرده و ارزیابی عملکرد قضات ملاکی کمی نداشته باشد، یقیناً این افراد خود فرصت کافی جهت مطالعه و کندوکاو در ارتباط با نهادی نوین خواهند داشت و هنگام یا پس از صدور رأی نیز بر تصمیم اتخاذی خود دقت بیشتری خواهند داشت.

همچنین ارائه فرم (الگو) یا چارچوبی معین به‌منظور تنظیم دادنامه‌ها را می‌توان به‌عنوان دومین پیشنهاد در سطح کلان مطرح کرد. در صورتی که دستگاه قضا قالبی مشخص برای بخش‌های سه‌گانه دادنامه‌ها تهیه کند و یا در ارتباط با مجازات‌های جایگزین، به‌ویژه خدمات عمومی رایگان، چک‌لیستی (فهرست) از موارد الزامی جهت قید در دادنامه در نظر بگیرد، نگارش متن احکام صادرشده از رویه واحد پیروی کرده که علاوه بر کمک به افزایش سرعت و کیفیت عملکرد قضات، تسهیل مطالعه و درک از سوی مخاطبان را نیز به‌همراه دارد.

ب) در سطح خرد^۲، ارائه آموزش‌های متناسب، مناسب و کافی پیشنهاد می‌شود. ابتدا باید آموزش‌هایی در ارتباط با اهداف، مبانی و مزایای نهادهای نوین کیفری برای قضات صادرکننده این احکام ارائه شود؛ به‌نحوی که این کنش‌گران به درکی کامل از ماهیت و فلسفه چنین ضمانت‌اجراهایی وقوف پیدا کنند. در مرحله بعدی، آموزش‌های فنی (تکنیکال) در ارتباط با متون قانونی موجود و نحوه مورد حکم قرار دادن پاسخ‌های کیفری نوین ضروری خواهد بود.

۱. منظور اموری است که تمام دادنامه‌های صادره در مراجع کیفری و حتی غیر از آن را تحت شعاع قرار می‌دهد.

۲. منظور امور خاص مرتبط با نهادهای جایگزین است.

منابع

فارسی

- ابراهیمی، شهرام؛ رحیمیان، رضا (۱۳۹۷)، «توجیه حبس بدون تعلیق؛ مطالعه تطبیقی ایران و فرانسه»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، شماره شانزده، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، صفحات ۱۵۶-۱۲۱.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۲)، «جایگزین‌های زندان‌های «کوتاه‌مدت» در حقوق کیفری ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره یازده و دوازده، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، صفحات ۳۱۰-۲۷۷.
- اسدی، لادن (۱۳۹۶)، آسیب‌شناسی اجرای مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید باهنر کرمان (دانشکده حقوق و الهیات).
- ازکیا، مصطفی؛ احمدرش، رشید؛ پارتازیان، کامبیز (۱۳۹۶)، روش‌های تحقیق کیفی از نظریه تا عمل، جلد دوم، تهران: انتشارات کیهان.
- امینی، عیسی؛ منصور، عباس (۱۳۹۷)، «موجه و مدلل بودن رأی داوری داخلی با نگاهی بر رویه‌ی قضایی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال ششم، شماره بیست‌ودوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، صفحات ۳۵-۹.
- انصاری، باقر (۱۳۹۳)، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
- پرجمی، داوود؛ درخشان، فاطمه (۱۳۹۷)، «بررسی مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس و کاهش جرم»، مطالعات جامعه‌شناسی، سال دهم، شماره چهارم، تبریز: دانشگاه آزاد اسلامی، صفحات ۶۸-۴۹.
- حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۸۷)، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره شصت و چهار، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، صفحات ۸۸-۶۷.
- حاجی‌تبار فیروزجائی، حسن (۱۳۹۳)، مجازات‌های جایگزین حبس در حقوق کیفری ایران. چاپ اول. تهران: انتشارات فردوسی.
- حسینی، سید محمد؛ ابراهیمی، محمد احسان (۱۳۹۸)، «سیاست جنایی قضایی در خصوص مال مسروقه»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره چهل و نه، شماره یک، تهران: دانشگاه تهران، صفحات ۸۶-۶۵.
- جشنواره آرای جایگزین حبس (۹۸-۱۳۹۷)، معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضائیه، تهران: مجموعه دادنامه‌های ارسالی به دبیرخانه جشنواره با همکاری معاونت فناوری اطلاعات قوه قضائیه.
- خاکسار، داوود؛ غلامی، حسین (۱۳۹۸)، «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین»، پژوهش حقوق کیفری، سال هفتم، شماره ۲۶، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، صفحات ۴۰-۹.
- رحمدل، منصور (۱۳۹۸)، «لطمه به اساس حکم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره هفتاد، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه، صفحات ۳۱-۹.
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم؛ ریاحی، جواد (۱۳۹۱)، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، مجله حقوق اسلامی، سال نهم، شماره سی و سه، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، صفحات ۲۱۶-۱۹۱.
- صبوری‌پور، مهدی (۱۳۹۷)، «نظام‌مندسازی کیفرگزینی تعزیری در حقوق ایران»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دوره چهل و هشت، شماره یک، تهران: دانشگاه تهران، صفحات ۱۴۳-۱۲۳.

- غلامی، حسین (۱۳۹۱) «اصل حداقل بودن حقوق جزا»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال اول، شماره دو، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، صفحات ۴۱-۶۵.
- قاسمی مقدم، حسن (۱۳۸۵)، ارزیابی میزان اثربخشی مجازات‌های اجتماعی در حقوق ایران، انگلستان و آمریکا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۳)، اعتبار امر فضائوت‌شده در دعوی مدنی. چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
- محسنی فرید، رحیمیان، رضا (۱۳۹۸)، «اصل تعیین حداقل کیفر حبس (تأملی تطبیقی در فقه اسلامی و حقوق فرانسه)». فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال ششم، شماره سوم، قم: دانشگاه قم، صفحات ۱۴۹-۱۸۲.
- محمدیان پهنوار، یوسف (۱۳۹۶)، تحلیل کیفرشناختی خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس (دانشکده حقوق).
- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه (۱۳۹۲)، راهنمای اصول اساسی جایگزین‌های حبس، (مترجم) خلیل آفنداک و المیرا حسن‌دوست، تهران: انتشارات روانشناسی و هنر.
- منصورآبادی، عباس؛ کونانی، سلمان (۱۳۸۹)، «بستر مجازات‌های جامعه‌مدار؛ با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره پانزدهم: صفحات ۳۲-۷.

انگلیسی

- Haney, Craig (2002), "The Psychological Impact of Incarceration: Implications for Post-Prison Adjustment", prepared for the "From Prison to Home" Conference, U.S. Department of Health and Human Services.
- Kalsomines, Shane (2014), "The Introduction of Community Service Orders: mapping its 'conditions of possibility'", *The Howard Journal of Crime and Justice*, Volume 53, Issue 5: pp. 487-510.
- Liebling, Alison; Maruna, Shadd (2011), *The Effects of Imprisonment*, Cullompton (United Kingdom): Taylor & Francis Ltd.
- Murray, Joseph; Farrington, David P (2008), "The Effects of Parental Imprisonment on Children", *University of Chicago Press*, Volume 37, Issue 1: PP 133-206.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی